

از شعر و شخصیت ملک الشعرا
و نسخه جدید دیوان او می گوید
مجتبی مجرد

هنوز هم می شود با بهار خنایید

آیا نسخه جدیدی که شما و همکاران ارائه کرده‌اید در داوری‌های ما درباره بهار تأثیری خواهد گذاشت و احیانا آن‌ها را در گون خواهد کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، کدام یک از آراء دستخوش تغییر خواهد شد؟ مثلا آیا در بحث‌هایی که حول وحوش سرقت ملک الشعرا از بهار شروانی هست فصل الخطابی خواهیم یافت؟

این نسخه حتما و قطعاً بر قضاوت‌های ما درباره بهار تأثیرگذار خواهد بود؛ به ویژه در راستای شناخت جریان تطور شعر و اندیشه زیبایی‌شناسی او، این نسخه می‌تواند سخنان جدیدی را در قلمرو بهارشناسی مطرح کند، اما نمی‌توانیم به قطع بگوییم که می‌تواند درباره بعضی از مسائل فصل الخطاب باشد، چون در بحث‌های تاریخی فصل الخطاب قرار دادن یک سخن کار بسیار بسیار دشواری است. طبیعتاً این نسخه می‌تواند در بحث‌هایی مثل همین سرقت بهار از بهار شروانی و... نکات ارزنده‌ای داشته باشد، اما گمان نمی‌کنم که فصل الخطاب باشد، به معنی اینکه به همه این داوری‌ها فیصله بدهد.

گفته‌اند که بهار می‌خواسته گزیده‌ای از اشعار خوبش فراهم آورد و بخشی از آن‌ها را حذف کند. شما، با توجه به شناختی که از ذوق بهار دارید، فکر می‌کنید او کدام شعرهای خود را به چه دلیلی حذف می‌کرد؟ آیا در بین اشعار او مثلا مصادیق نظم که وی آن را خوش نمی‌داشته نیز به چشم می‌خورد؟

اینکه بهار می‌خواسته گزیده‌ای از اشعار خودش فراهم کند، فارغ از اینکه سخن درستی است یا نه، حق او بوده، چنان که درباره بقیه شعرا هم می‌دانیم که دست به حذف و اضافاتی می‌زده‌اند یا اینکه شعرهایی را که به نظر خودشان بهتر بوده انتخاب می‌کرده‌اند و برای ثبت به دیگران پیشنهاد می‌داده‌اند یا خودشان آن‌ها را در دوایین خود ثبت می‌کرده‌اند. اما، اگر این نکته را بپذیریم و بپردازیم به بخش دوم سؤال شما که اگر بهار می‌خواست چنین کاری بکند کدام شعرهایش را حذف می‌کرد، با توجه به شناختی که خود من از او دارم، گمان می‌کنم، تقریباً یقین دارم که حتماً به سراغ شعرهای دوران جوانی خود می‌رفت، خصوصاً شعرهایی که در دوران ملک الشعرائی آستان قدس سروده. چرا؟ به دو دلیل، اول اینکه این شعرها عموماً شعرهایی هستند که صبغه تقلید محض دارند و عناصر تشخیص بخش شعر بهار به هیچ عنوان در آن‌ها به چشم نمی‌خورد؛ تقلیدهای محضی هستند از سبک خراسانی و گذشتگان، دوم اینکه این اشعار عموماً مضامین مدحی دارند و شامل وصف طبیعت و چیزهایی از این دست می‌شوند. پس، اگر بهار مشروطه‌خواه، بهار مشروطه‌خواهی که شعرهایش درباره آزادی و وطن... آن قدر با آب و تاب و آتشین است، می‌خواست یک گزیده از اشعار خودش تدوین کند، بی‌گمان، هیچ وقت آن شعرها را در آن گزیده ذکر نمی‌کرد، مگر اینکه می‌خواست تطور شعری خودش را نشان بدهد که به گمان من خیلی به این مسئله علاقه‌ای نداشته که بخواهد جریان تطور شعر خودش را برای مخاطبان خودش به نمایش بگذارد.

اما آنچه اینک در اختیار داریم، به ویژه در این چاپ، شامل همه یا بخش عمده‌ای از اشعار بهار است. با توجه به این مطلب و اینکه شاعر دیگر زنده نیست، کار درست کدام است؟ مثلاً اخیراً همه داستان کوتاه‌های اکبر رادی منتشر شده، حال آنکه خود او ابدامایل به این کار نبوده. آیا سندی وجود دارد که بتوانیم بر مبنای آن گزیده مطلوب بهار را فراهم آوریم؟ آیا



علی باقریان

اتفاق بر سر اینکه برترین شاعر معاصر کیست،

به ویژه بین خواص و عوام، بعید می‌نماید، اما احتمالاً همگان

بر آن اند که بزرگ‌ترین شاعر سنت‌گرای معاصر محمد تقی بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰) است و بدین معنی است که عنوان «ملک الشعرا»

اورا می‌زیبد. محمد تقی بهار از پیامبران شعر معاصر است؛ این «قولی است که جملگی

بر آن اند». اما این سنت‌گرایی بودن او نباید ما را به این تصور بکشاند که با فردی مرتجع مواجیم؛ اتفاقاً

بهار بسیار پیشرو بوده است، نه فقط در شاعری، که در اندیشه و سیاست نیز. او، این که در شاعری به شیوه

قدما سرآمد اقران بوده (این از قصاید و مسمطات و مثنوی‌ها و تصنیف‌های سیاسی-اجتماعی انتقادی‌اش پیداست)،

در میدان پژوهش‌های ادبی و سیاسی (این را از نگارش «سبک‌شناسی» و تصحیح «تاریخ سیستان» و تألیف «تاریخ احزاب

سیاسی» می‌فهمیم)، و سیاست (مقام وزارت و چند دور نمایندگی او در مجلس را به یاد آورید) نیز فرس‌رانده و میان‌دار بوده

است. با این تفصیل، بهار کسی نیست که به این آسانی‌ها، به این زودی‌ها از یادها برود. اما ساقچه مادر موضوع قرار دادن او این بود

که با فرارسیدن اردیبهشت ماه ۶۸ سال از درگذشت او می‌گذرد و این مصادف شده با چاپ صورتی جدید از دیوان او که البته تا

الآن که من دارم این سطرها را می‌نویسم هنوز عرضه نشده، دیوانی که بر اساس دست‌نویس سید محمود فرخ خراسانی، یار غار

بهار، فراهم آمده و مجتبی مجرد دو سید امیر منصوری آن را تصحیح کرده‌اند. کل این ماجرا اما مشهودی‌ها پیوندی تنگاتنگ دارد:

هم شاعر دیوان مشهودی است هم گردآورنده آغازین آن مشهودی است هم یکی از مصححان آن، یعنی مجتبی مجرد، مشهودی

است (آن دیگری هم، اگر چه اصلاً به هرات نسب می‌رساند، در همین شهر نشوونما یافته است): اصلاً اصل نسخه را مصححان در

کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه «فردوسی» پیدا کرده‌اند. آنچه در ادامه خواهید خواند شامل چهار بخش می‌شود، اول گفت‌وگو

با مجتبی مجرد، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بجنورد (همان شهری که بهار در دورهای نماینده آن

در مجلس بود) درباره شعر و شخصیت ملک الشعرا، دوم چند شعر نویافته از او که پیش از این در هیچ جایی منتشر

نشده و مصححان چاپ جدید آن‌ها را در اختیار ما گذاشته‌اند، سوم یادداشتی از سید امیر منصوری در باب

کم‌وکیف چاپ جدید دیوان بهار، چهارم یادداشت روح... اسلامی، عضو هیئت علمی گروه

علوم سیاسی دانشگاه «فردوسی»، در باب ملک الشعرا سیاست‌مدار.